

لابی‌آرامنه و سیاست خارجی ایالات متحده در قفقاز جنوبی

علیرضا کوهکن^۱
مهلا نخعی^۲

چکیده

سیاست خارجی در ایالات متحده، متأثر از عوامل و عناصر مختلفی است؛ لابی‌ها، یکی از مهم‌ترین این عناصر هستند که در چارچوب کلی گروه‌های بزرگ نفوذ قرار می‌گیرند. لابی‌آرامنه، یکی از لابی‌های قومی قدرتمند در ایالات متحده آمریکا است. تلاش اصلی سازمان‌های مختلف لابی‌آرامنه در ایالات متحده، تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده در جهت اهداف این گروه‌هاست. سؤال اصلی مقاله حاضر، عبارت است از اینکه، لابی‌آرامنه چه اهدافی را در سیاست خارجی ایالات متحده پیگیری می‌کند و به چه نتایجی دست یافته است؟ فرضیه مقاله این است که لابی‌آرامنه توانسته سیاست خارجی ایالات متحده را با توجه به شرایط منطقه قفقاز جنوبی در حوزه سه هدف اصلی‌اش یعنی شناسایی قتل‌عام آرامنه، شناسایی استقلال ناگورنو-قره‌باغ و دریافت کمک مالی برای ارمنستان مورد تأثیر قرار دهد. در همین راستا، مقاله حاضر پس توضیحاتی درباره لابی و لابی‌گری، نظریه بنتلی را برای چارچوب نظری برگزیده که مهم‌ترین نظریه در خصوص نقش گروه‌های بانفوذ در فرایند سیاست‌گذاری ایالات متحده است. پس از آن، به توضیح سازمان‌های مختلف لابی‌آرامنه، اهداف آنها و نتایجی که از پیگیری این اهداف در چارچوب سیاست خارجی آمریکا به دست آمده، پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: لابی‌آرامنه، سیاست خارجی ایالات متحده، قفقاز جنوبی، ارمنستان.

^۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسؤل: koohkan@atu.ac.ir

^۲. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی.

۱. مقدمه

آمریکا به‌عنوان قدرت بانفوذ امروزی دنیا، تأثیر زیادی در تعیین سیاست‌های جهانی و جهت‌گیری آنها دارد و تقریباً می‌توان بیان کرد که در بسیاری از موارد، سیاست‌های جهانی، بر اساس جهت‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده تنظیم می‌شود. سیاست خارجی آمریکا به‌صورت یک تعامل پیچیده میان گروه‌های بانفوذ، لابی‌ها، سیاستمداران و تصمیم‌گیران حاکم تنظیم می‌شود؛ که در این روند، نقش لابی‌ها بسیار پررنگ و مهم است. این گروه‌ها در مناطق و مباحث موردعلاقه‌شان که نفعی در آن دارند، دخالت زیادی کرده و تأثیرگذار بوده‌اند. انعطاف‌پذیری و نرمش، در برابر برخی از گروه‌های بانفوذ در زمان‌های مختلف در رابطه با مسائل سیاست خارجی از گذشته در سنت سیاسی آمریکا وجود داشته است. این موضوع نتیجه سیستم حکومتی ایالات متحده است که در آن گروه‌های بانفوذ به شیوه‌های مختلف می‌توانند بر سیاستمداران اعمال فشار کنند. با توجه به توضیحات فوق، سؤال اصلی این مقاله عبارت است از اینکه لابی ارمنه چه اهدافی را در سیاست خارجی ایالات متحده پیگیری می‌کند و به چه نتایجی دست یافته است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه موردنظر این پژوهش، عبارت است از اینکه، لابی ارمنه توانسته سیاست خارجی ایالات متحده را با توجه به شرایط منطقه قفقاز جنوبی در حوزه سه هدف اصلی‌اش، یعنی شناسایی قتل‌عام ارمنه، شناسایی استقلال ناگورنو-قره‌باغ و دریافت کمک مالی برای ارمنستان، مورد تأثیر قرار دهد.

برژینسکی معتقد است که سه لابی مهم و تأثیرگذار در آمریکا عبارت‌اند از: لابی اسرائیل، لابی ارمنی و لابی کوبایی (Brzezinski, 2010). لابی ارمنه در آمریکا ائتلافی از گروه‌ها و افرادی است که تکاپوهای آنها معطوف به تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی ایالات متحده برای حمایت از مسائل ارمنه، ارمنستان و سیاست‌های آن است. شاخص‌ترین گروه‌های لابی گر ارمنی عبارت‌اند از: کمیته ملی ارمنه^۱، مجمع ارمنه آمریکا^۲، کمیته فعالیت‌های سیاسی ارمنیان آمریکا^۳، سازمان جوانان فدراسیون انقلابی ارمنی، سازمان جوانان دانشناکسیون^۴ و حزب سوسیال‌دموکرات هونچاکیان^۵؛ که در بین آنها، دولابی «کمیته ملی ارمنیان آمریکا» و «مجمع ملی ارمنیان» نقش محوری لابی ارمنه را ایفا می‌کنند.

1. Armenian National Committee of America (ANCA)
2. The Armenian Assembly of America (AAA)
3. Armenian American Political Action Committee (AAPAC)
4. The Armenian Youth Federation (AYF-YOARF)
5. Social Democrat Hunchakian Party (SDHP)

لابی ارامنه در آمریکا به دنبال تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی آمریکا برای منافع ارمنستان و مسائل مورد نظر ارامنه است. در همین راستا، لابی با اعمال نفوذی که در میان اعضای کنگره داشته تاکنون موفقیت‌های قابل توجهی را توانسته کسب کند. مهم‌ترین مسائل مورد نظر لابی ارامنه عبارت‌اند از: شناسایی نسل‌کشی ارامنه توسط امپراتوری عثمانی از سوی ایالات متحده؛ شناسایی استقلال و خودمختاری منطقه خودمختار ناگورنو-قره‌باغ؛^۱ ارائه کمک‌های فنی، اقتصادی، سیاسی و نظامی ایالات متحده به ارمنستان. در این نوشتار، در بخش تعریف مفاهیم و چهارچوب نظری، به تعریف مفاهیم لابی و لابی‌گری و نظریه آرتور بنتلی در رابطه با نقش گروه در ایالات متحده پرداخته می‌شود. تعریف مفاهیم لابی و لابی‌گری برای درک بهتر لابی ارامنه و نحوه عملکرد آن در سیستم سیاسی ایالات متحده ضرورت دارد. نظریه آرتور بنتلی نخستین تئوری در رابطه با نقش و جایگاه گروه‌ها در ایالات متحده است و از آنجا که گروه‌ها را منشأ کلیه سیاست‌های داخلی و خارجی در نظام آمریکا می‌داند با موضوع این تحقیق همخوانی و برای تبیین آن، کاربرد دارد.

۲. پیشینه پژوهش

در رابطه با موضوع لابی در ایالات متحده و همچنین به صورت خاص، لابی ارامنه در آمریکا، مطالب علمی قابل توجهی به زبان فارسی وجود ندارد. همچنین منابع موجود به زبان‌های خارجی نیز دارای عدم انسجام و پراکندگی قابل توجهی است. در ادامه به مهم‌ترین منابع موجود در این خصوص اشاره می‌شود: یکی از معدود منابع فارسی در رابطه با لابی و لابی‌گری در ایالات متحده، کتاب «لابی و لابی‌گر در آمریکا» نوشته احمدی لفورکی است که بخش اندکی از نوشتار آن به موضوع این تحقیق مربوط می‌شود. کتاب لابی و لابی‌گر در ایالات متحده آمریکا علاوه بر مقدمه در چهار فصل تنظیم شده است. نگارنده در این کتاب ضمن توضیح مفصل لابی و لابی‌گری، با پرداختن به روابط لابی‌گران با دولت ایالتی و فدرال، اهداف و منافع مورد نظر لابی‌گران و قوانین ناظر بر لابی‌گری، مکانیسم لابی و لابی‌گری را در ایالات متحده به طور کامل توضیح می‌دهد (Amadi Laforaki, 2008).

کلود مونیک و ویلیام راسیمورا^۲ در مقاله‌شان با عنوان نقش لابی ارامنه در الگوی برتری در قفقاز جنوبی در ابتدا منطقه قفقاز جنوبی را توضیح می‌دهد. این مقاله، قفقاز جنوبی را چهارراه برخورد

¹. Nagorno Karabagh

². Claude Moniquet and William Racimora

تمدن‌های آسیایی و اروپایی می‌داند و به بررسی دموکراسی در حال پیشرفت و موفقیت‌ها و چالش‌های اقتصادی در حال گذار در منطقه و مجموعه‌های امنیتی در قفقاز جنوبی می‌پردازد. پس‌از این توضیحات مقاله مذکور به توضیح لابی‌ارامنه و مسائلی که این لابی‌پیگیری می‌کند می‌پردازد و پیگیری این مسائل را از سوی لابی‌ارامنه، سازمان دهنده الگوی دشمنی در منطقه قفقاز جنوبی و در روابط بین ارمنستان با آذربایجان و ترکیه شناسایی می‌کند. بخشی از مطالب این مقاله در خصوص سیاست در قفقاز جنوبی در این نوشتار قابل استفاده است (Moniquet & Racimora, 2013).

مقاله «موفقیت لابی‌های قومی ارمنی در ایالات متحده» نوشته هیترا. اس. گریگ^۱ مقاله‌ای دیگر در رابطه با لابی‌ارامنه است. در این مقاله نویسنده ساختار لابی‌ارامنه را از بدو شکل‌گیری تا زمان حاضر توضیح می‌دهد. این مقاله ضمن توضیحاتی کلی در رابطه با لابی‌های قومی در ایالات متحده آمریکا، به توضیح انواع لابی‌های ارمنی می‌پردازد و تقسیمات مهم آنها، ساختار سازمانی، پروژه‌های آنها و فعالیت‌ها و اقداماتشان را بررسی می‌کند. این مقاله، اشاره‌ای نیز به مسائل مختلف موردنظر ارمنه که نگرانی و دغدغه‌های اصلی لابی‌ارامنه هستند؛ از جمله بخش ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی^۲، دارد (Gregg, 2002). به صورت کلی باید اشاره داشت که موضوع لابی‌ارامنه و اقدامات آن در سیاست ایالات متحده در قفقاز جنوبی در منابع مورد بررسی، به صورت جامع مورد بررسی قرار نگرفته است.

۳. تعریف مفاهیم و چهارچوب نظری

در این بخش، ابتدا به توضیح مفهوم گروه‌های بانفوذ و لابی‌ها پرداخته می‌شود و در ادامه چهارچوب نظری مقاله بر اساس نظریه گروه آرتور بنتلی، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۳-۱. گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌ها

گروه‌های بانفوذ مستقیماً در فتح قدرت و اجرای آن مشارکت نمی‌کنند؛ بلکه درحالی که خارج از قدرت باقی می‌مانند آن را متأثر می‌سازند و بر آن «فشار» وارد می‌کنند. گروه‌های بانفوذ در پی تأثیر بر زمامداران‌اند، نه آنکه زمامدارانی از خود را به قدرت نشانند. گروه بانفوذ می‌تواند گروهی باشد که اختصاصاً در قلمرو سیاست عمل می‌کند و بر قوای عمومی نفوذ می‌نماید؛ مثلاً لابی‌های معروف واشنگتن که سازمان‌هایی متخصص برای تماس با نمایندگان مجالس مقننه، وزرا و کارمندان عالی‌مقام می‌باشند.

¹. Heather S. Gregg

². Freedom Support Act

برعکس گروه بانفوذ می تواند گروهی نسبی باشد که فشار سیاسی فقط بخشی از فعالیت هایش باشد و یا اینکه علل وجودی دیگر و وسایل فعالیت دیگری داشته باشد؛ مثلاً یک سندیکای کارگری که گاهی بر حکومت نفوذ می کند ولی دارای اهداف بسیار وسیع تری است (Duverger, 1973, p.101).

لابی^۱ لغتی انگلیسی به معنای سرسرا یا راهرو است. این واژه در ادبیات سیاسی به معنی اعمال نفوذ بر سیاستمداران به ویژه نمایندگان مجلس است و به گروهی گویند که در اوضاع سیاسی کشوری از طرق مختلف قانونی سعی در اعمال نفوذ و پیشبرد دیدگاه خود داشته باشد. اولین بار کلمه لابی و لابی گری در فرهنگ سیاسی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شد. لابی در ایالات متحده آمریکا بسیار گسترده و فراگیر است (Ashoori, 1991, p.277).

کلمه لابی می تواند به عنوان یک اسم یا فعل در عرصه سیاسی به کار رود. هر دو معنی این کلمه برگرفته از واژه (سرسرا) در پارلمان یا کنگره است که سیاستمداران پس از حضور در آنجا با یکدیگر، تبادل نظر می کنند. به عنوان فعل، «لابی کردن» به معنی به کار بردن فشار، دادن وعده و وعید جهت جلب نظر یک مقام تصمیم گیر سیاسی است. این عمل می تواند در یک محیط سازمانی به کار رود که نماینده گروه فشار بر یک عضو پارلمان، وزیر و...، برای منافع بیشتر گروه اعمال نفوذ کند. همچنین ممکن است اعمال نفوذ در بین هم ترازان به کار رود؛ مثلاً زمانی که مشاوران اجرایی رئیس جمهور تلاش کنند تا بر اعضا کنگره برای رأی دادن به قوانین آتی، اعمال نفوذ کنند. لابی به عنوان اسم به ترتیبات سازمانی برای انتقال و پخش اطلاعات و فشار آوردن در مورد موضوعات مختلف، اشاره دارد (Robertson, 1993, p.22).

در جریان تعطیلی موقت کنگره، در آمریکا و یا قبل از آنکه نشست های قانون گذاران شروع شود، مردمی که انتظار داشتند از لایحه خاصی متضرر یا منتفع شوند از راهروهای ساختمان هایی که دو بخش کنگره را به یکدیگر متصل می کرد، برای دیدار با نمایندگان استفاده می کردند. هدف آنها این بود که قانون گذاران را تحت تأثیر قرار دهند. به مرور، این افراد یک سری متخصص را برای انجام چنین کاری به کار گرفتند این متخصصین لابی گر و فعالیت آنها نیز لابی گری نامیده شد (Guning, 2000, p.2). مجموعه فعالیت ها و اقداماتی را که گروه های فشار، لابی ها و گروه های حامی برای تغییر وضعیت سیاسی موجود یا حفظ آن در راستای منافع خود انجام می دهند، لابی کردن می نامند (Ahmadi Laforaki, 2008, p.9).

^۱. Lobby

۳-۲. نظریه آرتور بنتلی^۱

آرتور بنتلی یکی از بنیان‌گذاران علوم سیاسی مدرن در جامعه آمریکا است و از نخستین دانشمندان رفتارگرا در ایالات متحده محسوب می‌شود. نخستین نظریه یکپارچه درباره نقش، اهمیت و جایگاه گروه‌ها در آمریکا، توسط بنتلی ارائه شده است. او این نظریه را بر اساس پایه‌های علمی پوزیتیویستی ارائه کرده است. بنتلی در چند جهت در عرصه علوم سیاسی ایالات متحده شهرت و نفوذ دارد. بسیاری او را به سبب نظریاتش در عرصه معرفت‌شناسی علمی می‌شناسند و او از پایه‌گذاران پوزیتیویسم علمی در عرصه علوم انسانی محسوب می‌شود. از دیگر عرصه‌های شهرت بنتلی، نظراتش درباره تکثرگرایی است؛ اما عرصه دیگری که بنتلی به آن پرداخته است و با این نوشتار مرتبط است، مباحث مربوط به گروه و گروه‌های ذی‌نفوذ است. آرتور بنتلی در کتاب «روند حکومت» اشاره می‌کند که همه سیاست‌ها و همه دولت‌ها حاصل فعالیت گروه‌ها هستند و هر نوع تلاش دیگر برای تحلیل سیاست به گمراهی منتهی خواهد شد. کتاب روند حکومت نمونه‌ای خاص از یک نوشتار است که سعی دارد از تمایلات واقع‌گرایانه در تحلیل سیاست استفاده کند که برای این کار بنتلی از روشی تجربی در رهیافت به دولت، سیاست و رفتار سیاسی استفاده می‌کند.

بنتلی به‌دوراز افکار آرمان‌گرایانه و ایدئالیستی نسبت به سیاست، اعتقاد داشت که باید برای تجزیه و تحلیل عملکرد دولت‌ها به مؤلفه‌ها و عوامل واقعی که بر ساختار تصمیم‌گیری تأثیر دارند، اشاره کنیم. به اعتقاد او با شناسایی این مؤلفه‌ها است که ما می‌توانیم به درک درستی از سیاست پردازیم. با توجه به موضوع مقاله درباره فعالیت‌ها و اقدامات لابی ارامنه در سیستم سیاسی ایالات متحده، نظریه بنتلی به‌عنوان چهارچوب نظری موضوعیت پیدا می‌کند زیرا بر اساس این نظر، سیاست خارجی ایالات متحده تابع فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ است. از دید بنتلی، گروه مجموعه‌ای از کنش‌های افراد متعدد و مختلف است. او در این باره می‌نویسد: «افراد جامعه خواسته‌ها و آمال خود را تنها در چارچوب یک گروه می‌توانند پیگیری کنند و به همین جهت برای فهم درست آنها باید روش‌های فهم صحیح رفتار گروه را آموخت. منفعت یک گروه فقط به اعلامیه‌ها، سخنان روسا و برنامه‌های اعلامی‌اش مرتبط نیست، بلکه مسئله اصلی فعالیت‌های عملی است که اعضای گروه انجام می‌دهند.»

^۱. Arthur F. Bentley

این سخنان از نظر بنتلی، لفاظی‌هایی هستند که فایده‌ای در توجه به آنها نیست و آنچه موضوعیت دارد، نحوه عمل و رفتار گروه است (Bentley, 1908, p.208). بنتلی از نظریه‌پردازان تکثرگرایی در جامعه سیاسی آمریکاست. از دیدگاه بنتلی هر منفعتی، باعث شکل‌گیری گروهی می‌شود که به دنبال کسب آن منفعت هستند و این گروه‌ها نقش واسطه را در معنا بخشی به دموکراسی در زندگی سیاسی بازی می‌کنند. طبق نظریه بنتلی هیچ فردی نیست که تنها عضو یک گروه ذی‌نفوذ باشد و هیچ گروه ذی‌نفوذی هم نیست که جدای از دیگر گروه‌ها فعالیت کند. همه بخش‌های حکومت در عرصه سیاست واقعی، زیر فشار گروه‌های مختلف است که این موضوع شامل دستگاه قضایی و دادگاه‌ها نیز می‌شود. بنابراین از نظر بنتلی تصورات لیبرالی که به دنبال ایجاد بخش‌هایی برای پیگیری منافع عمومی و به‌دوراز فشار گروه‌های بزرگ و قدرتمند را هستند، در نهایت با شکست مواجه می‌شوند (Bentley, 1908, p.198).

به اعتقاد بنتلی، کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و پویا است که در آن نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. در جریان این روند، گروه‌های قدرتمندتر مسلط شده و گروه‌های ضعیف‌تر مجبور به پیروی از آنها می‌شوند و دولت هم سعی می‌کند خود را با شرایط وفق داده و به نقطه تعادلی در میان گروه‌های رقیب تبدیل شود. از نظر بنتلی ثبات حکومت و هیئت حاکمه که پیش‌زمینه‌ای برای ثبات کل دولت است، نیازمند یافتن راهی مناسب برای حل منازعات درون گروهی و عمل کردن به‌عنوان میانجی میان گروه‌های مختلف نفوذ است (Koochkan, 2012B, pp.74-75).

نظریه بنتلی به‌خوبی نشانگر روند سیاسی و اجتماعی واقعی است که در زمان انحصار قدرت توسط دولت و تغییر شکل دولت و گونه‌های متفاوت دکتورین تقسیم قوا رخ می‌دهد. او این تفاوت‌های جامعه آمریکا را در گوناگونی گروه‌های غیردولتی و فشاری که آنها به ساختار رسمی برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌آورند دسته‌بندی کرده و بیان می‌کند که خواست افراد برای دستیابی به منافعشان سبب می‌شود آنها در گروه‌های مختلف اجتماعی گردآمده و هم‌زمان چندین گروه مختلف ذی‌نفوذ برای اثرگذاری یا اجبار یک بخش سیاسی از دولت برای پیروی از خواستشان تلاش کنند و حاصل این تلاش نقطه تعادلی است که جامعه را به پیش ببرد. از نگاه بنتلی آنچه جامعه آمریکا را متمایز می‌کند فعالیت گروه‌های غیررسمی و غیردولتی در آن است که برای پیشبرد خواسته‌ها و منافعشان بر هیئت حاکمه اعمال نفوذ و فشار می‌کنند و دولت‌ها برای ثبات و پایداری خودشان میان رقابت‌های این گروه‌ها تعادل برقرار می‌کنند و در این نقطه تعادل است که جامعه حرکت می‌کند (Koochkan, 2012A, pp.16-17).

بنتلی مؤسسات دولتی را حوزه اعمال نفوذ و فشار گروه‌های مختلف برای دنبال کردن درخواست‌هایشان می‌داند. اگرچه بنتلی ثبات نسبی شکل قانونی دولت را می‌پذیرد اما هم‌زمان خاطرنشان می‌کند که امکان تغییر این سازمان‌ها وجود دارد، زیرا روند رقابت و عکس‌العمل میان گروه‌ها سیال و متغیر است. به عبارتی دیگر بنتلی معتقد است از آنجا که فرایند رقابت و کنش و واکنش میان گروه‌ها پویا، مداوم و متغیر است امکان تغییر در مؤسسات دولتی و جایگاه‌های آنها و همچنین قوانین دولتی نیز دور از ذهن نیست. این تغییر ممکن است در سطوح متفاوتی اتفاق بیفتد و این امر به ساختار واقعی گروه‌های ذی‌نفوذ و رفتار آنها بستگی دارد (Salisbury, 1969, p.3). نظریه آرتور بنتلی یکی از نظریه‌های مهم در ساخت تصمیمات سیاسی در ایالات متحده مبتنی بر نقش پررنگ گروه‌هاست. بنتلی این گروه‌ها را مجموعه‌هایی شکل گرفته بر اساس منافع مشترک می‌داند که عامل تعیین‌کننده سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات هستند.

۴. پیشینه تاریخی دیاسپورای ارامنه

«دیاسپورا»^۱ مردمی با ملیت مشترک هستند که در خارج از سرزمین مورد ادعا و اصلی مستقل‌شان ساکن هستند. آنها به واسطه خودشان یا دیگران به‌عنوان اعضای بالقوه کشور مبدأشان، صرف‌نظر از موقعیت جغرافیایی و شهروندی که دارند، محسوب می‌شوند (Basar, 2009, p.2). جوامع تشکیل‌دهنده دیاسپورای ارمنی^۲ بر اساس جمعیت و نه اهمیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در این مناطق پراکنده‌اند: روسیه، ایالات متحده، گرجستان، فرانسه، اوکراین، لبنان، ایران، ترکیه، کانادا و استرالیا. تقریباً ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نیز در انگلیس، یونان، عراق، کویت، امارات متحده، ایتالیا، بلژیک، هلند، ونزوئلا، مجارستان، ازبکستان، بلغارستان و اتیوپی نیز وجود دارد. امروزه ارمنستان حدود دو میلیون نفر در روسیه، یک و نیم میلیون نفر در ایالات متحده و نیم میلیون نفر در فرانسه جمعیت دارد. به‌طور کلی بیش از ده میلیون ارمنی در سراسر جهان زندگی می‌کنند که هفت میلیون نفر از این تعداد، متعلق به دیاسپورا است که معادل دو برابر جمعیت در حال زندگی در ارمنستان است (۳/۳ میلیون نفر).

در اولین دوره پراکندگی ارامنه در طی سال‌های ۱۴۵۳-۱۰۴۵، تجاوزها به ارمنستان توسط فاتحان مختلف آسیای مرکزی با ریشه ترکی و مغولی، سرزمین ارمنستان را ویران و حکومت آن را نابود و

^۱. Diaspora

^۲. Armenian Diaspora

بسیاری را مجبور به فرار کرد. ارامنه پناهنده در اطراف دریای سیاه (اوکراین و جنوب لهستان امروزی) و در منطقه کیلیکیه^۱ (نوار جنوب شرقی ساحل مدیترانه‌ای ترکیه) مستقر شدند. در سال ۱۴۵۳ ترک‌های عثمانی قسطنطنیه را فتح کردند و نام آن را استانبول گذاشتند. سلطان محمد فاتح مسیحیان مختلف و بعداً جوامع یهودی را به استقرار و اقامت در منطقه‌ای کم جمعیت فراخواند، بسیاری از ارامنه خارج‌نشین از کیلیکیه، غرب آناتولی و دریای سیاه آن را قبول کردند. در سال ۱۴۶۱ این جامعه با فرمان سلطنتی به شکل جدیدی به صورت یک ملت درآمد. در این زمان جامعه آنها یک نهاد تقریباً خودمختار شد اگرچه به طور کامل همیشه تابع قدرت عثمانی بود (Tololyan, 2000, p.118).

بین مهروموم‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۵ دولت عثمانی یک و نیم میلیون از دو میلیون نفر شهروند ارمنی را به طور دسته جمعی به قتل رساند. نیمی از بازماندگان به بخش تاریخی کوچکی از ارمنستان که در روسیه باقی مانده بود، پیوستند که در این زمان روسیه بر آن مسلط شد و در سال ۱۹۹۱ با فروپاشی شوروی به جمهوری ارمنستان مبدل گشت. دیگر بازماندگان، دیاسپورایی جدید را ایجاد کردند. برخی از آنها در سرزمین‌هایی که یک دیاسپورای ارمنی کوچک و قدیمی در آن وجود داشت، مستقر شدند (به عنوان مثال سوریه، مصر، آمریکا که قبل از جنگ جهانی اول ۵۰۰ هزار ارمنی در آن وجود داشت)، برخی دیگر به محلی تثبیت شده و قدیمی پیوستند (مانند ایران، که ارامنه از سال ۱۶۰۴ زندگی می‌کردند)، در حالی که برخی دیگر هم در مناطقی که جمعیت ارمنی قابل توجهی وجود نداشت پیوستند (مانند آرژانتین). هیچ سازمان خارج‌نشین جدیدی در این دوره تاپس از ۱۹۷۲ ایجاد نشد (Tololyan, 2000, pp.118-122).

۵. لابی ارامنه: اجزا و سازمان‌های مختلف

جامعه ارمنی^۲ آمریکایی، خود را اطراف چهار حزب سیاسی سازمان داد که به صورت سازمان‌های مذهبی و اجتماعی بودند. چهار حزب سیاسی به طور خاص درون دیاسپورای ارمنی - آمریکایی مهم بودند. حزب اول که در سال ۱۸۸۷ در ژنو شکل گرفت؛ حزب انقلابی هون چاکیان بود. در ابتدا این جنبش برای استقلال ارمنستان از دولت عثمانی بحث می‌کرد (Nassibian, 1976, p.118). هدف این حزب عبارت بود از تحریک ارامنه ساکن در امپراتوری عثمانی برای شورش در راستای تشکیل یک دولت ارمنی سوسیالیستی در آنجا (Kardan, 2007, p.16).

^۱. Cilicia

دومین حزب، جنبش دانشاکیسیون یا فدراسیون انقلابی ارمنی، در سال ۱۸۹۰ در تفلیس تأسیس شده بود. این گروه در ابتدا اصلاحاتی را درون نظام عثمانی و نه استقلال کامل آن را، دنبال می‌کرد. در سال ۱۹۱۰، فدراسیون انقلابی ارمنی به یک حزب سیاسی تبدیل شد و دولت جمهوری ارمنستان را از ماه می ۱۹۱۸ تا زمان سقوط ارمنستان به ارتش سرخ در ۲ دسامبر ۱۹۲۰ رهبری کرد (Nassibian, 1976, p.118). حزب تاشناک و شاخه آمریکایی حزب هینچاک نیز در دهه ۱۸۹۰ در ایالات متحده تأسیس شدند که در مدت کوتاهی زیرشاخه‌های فراوانی را شکل داده و بمباران تبلیغاتی پنهان و آشکار خود را بر ضد ترکیه آغاز کردند. در آمریکا ۳۶ کمیته تاشناک در ۱۹۰۳، ۴۸ کمیته در سال ۱۹۰۷ و ۷۷ کمیته در سال ۱۹۱۴ به وجود آمدند. هینچاکها نیز ۱۵۰۰ جان فدای آموزش دیده را وارد تشکیلات خود کردند. بنابراین نخستین ریشه‌های لابی ارامنه در ایالات متحده شکل گرفت (Kardan, 2007, p.16).

جنبش سوم حزب راماکاوار یا لیبرال دموکرات ارمنی بود که در سال ۱۹۲۱ در مصر تشکیل شد. راماکاوار عمدتاً از بازرگانان و متخصصان تشکیل شده بود و حامی اشغال ارمنستان توسط شوروی بودند چراکه آنها اعتقاد داشتند که ارتش سرخ از حملات بیشتر ترک‌ها ممانعت خواهد کرد و در نتیجه بخشی از سرزمین ارمنی حفظ خواهد شد. حزب چهارم لیگ پیشرو ارمنی بود که در آمریکا شکل گرفت؛ در جهان‌بینی‌اش طرفدار کمونیسم بود و استدلال می‌کرد که حکومت شوروی بر ارمنستان منطقه را بهتر از یک دولت مستقل که توسط حزب دانشاکیسیون حکومت شود؛ حفظ خواهد کرد (Gregg, 2002, p.4).

بعضی گروه‌های فشار و یا گروه‌های قومی ارمنی دیگر نیز وجود دارند که فعالیت‌های شبه لابی‌گری را در سطح فردی انجام می‌دهند. بنابراین برای مثال، گروه‌های دارای نفع سنتی از قبیل اتحادیه نیکوکاران ارمنی، شوالیه‌های وارطان (مردان)، دختران وارطان (زنان)، سازمان جوانان ارمنی و بعضی گروه‌های جدید مانند کمیته اقدام سیاسی آمریکا، کمیته امور عمومی ارمنستان - آمریکا که به‌جز مورد آخر در بیشتر این گروه‌ها اعضای آنها و نه بخش خاصی، نقش مهمی را در حمایت از منافع ارمنی ایفا می‌کنند. علاوه بر این گروه‌ها، افراد و خانواده‌هایی نیز وجود دارند که امور بسیاری را برای حمایت از منافع ارامنه در ایالات متحده انجام می‌دهند و سیاست‌های آمریکایی را به نفع خود ارامنه شکل می‌دهند. افرادی مانند آلکس مانوجیان^۱، کریک کروریان^۲، آلبرت بویاجیان^۳، جرارد کفسجیان^۴، رز وارتیان^۵، پائول کروریان^۶ و خانواده‌هایی مانند هاوانسیان^۷ و موگارتز^۸ (Sedrakyan, 1987).

^۱. Alex Manoogian

در حال حاضر لابی ارمنی آمریکا ائتلافی از گروه‌ها و افرادی است که تکاپوهای آنها معطوف به تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی ایالات متحده در جهت حمایت از ارمنستان است. شاخص‌ترین گروه‌های لابی گر ارمنی عبارت‌اند از: کمیته ملی ارمنیان آمریکا، مجمع ارمنیان آمریکا، کمیته فعالیت‌های سیاسی ارمنیان آمریکا، سازمان جوانان فدراسیون انقلابی ارمنی - سازمان جوانان دانشناکسیون و حزب سوسیال دموکرات هونچاکیان شرق ایالات متحده که در این بین دو لابی «کمیته ملی ارمنیان آمریکا» و «مجمع ملی ارمنیان» ایفاگر نقش محوری هستند (Hosseini Taghiabadi, 2012, p.83).

ایجاد لابی قومی ارمنی در ایالات متحده مجموعه دیگری از سازمان‌های موازی بود که در اثر شکاف ایدئولوژیک درون جامعه آمریکایی^۵ ارمنی شکل گرفت. کمیته آمریکایی برای استقلال ارمنستان^۶ اولین گروه لابی آنها بود که در سال ۱۹۱۸ تشکیل شد. سازمان لابی فعلی آرامنه، یعنی کمیته ملی آرامنه آمریکا از تکامل کمیته آمریکایی برای استقلال ارمنستان به وجود آمد. در سال ۱۹۷۲ نیز اعضای بانفوذ در جامعه ضد دانشناکسیون^۹ در ایالات متحده، مجمع آرامنه آمریکا را به عنوان یک سازمان ارمنی جدید تشکیل دادند؛ که امید داشتند رهبران آن از گروه‌های ارمنی مختلف برای منافع یک گروه به صورت یک کل واحد مشارکت می‌کنند (Rachel, 2000, p.32). این دو سازمان شاکله اصلی لابی آرامنه هستند.

۱-۵. کمیته ملی آرامنه آمریکا

کمیته ملی آرامنه در آمریکا، بزرگترین و تأثیرگذارترین سازمان سیاسی آمریکایی-ارمنی است. کمیته ملی آرامنه با فعالیت هماهنگ در شبکه‌ای متشکل از دفاتر، بخش‌ها و هواداران در سراسر ایالات متحده و سازمان‌های وابسته در سراسر جهان، به طور فعالی نگرانی‌های جامعه آمریکایی-ارمنی را در طیف گسترده‌ای از موضوعات توسعه داده است (about the ANCA, 2013). اهداف و فعالیت‌های اصلی کمیته ملی آرامنه عبارت‌اند از: تأثیرگذاری و هدایت سیاست ایالات متحده در مورد مسائل موردعلاقه جامعه

1. Krik Kerkorian

2. Albert Boyajian

3. Gerard Cafesjian

4. Ross Vartian

5. Paul Kerkorian

6. Hovnians

7. Mugar

8. The American Committee For The Independence of Armenia (ACIA)

9. Anti-ARF

ارامنه آمریکا؛ ترویج آگاهی عمومی در جهت حمایت از یک ارمنستان آزاد، متحد و مستقل؛ ارائه دیدگاه کلی ارامنه به آمریکا راجع به موضوعات مربوط به سیاست‌های عمومی و همچنین رابط بین جامعه ارمنی و مقامات منتخب آنها؛ مطرح‌ساختن و تصویب قوانینی مربوط به جامعه ارمنی مانند تقویت ارمنستان به‌عنوان یک دولت مرفه، دموکراتیک و امن؛ حمایت از خودمختاری و استقلال قره‌باغ در درون مرزهای امن؛ افزایش سطح کمک‌های ایالات متحده به ارمنستان در جهت ترویج و توسعه اقتصادی و دموکراتیک؛ تأمین کمک‌های مستقیم آمریکا به قره‌باغ؛ حصول اطمینان از برگزاری بزرگداشت مناسب از نسل‌کشی ارامنه؛ تشویق ترکیه و آذربایجان به رفع محاصره ارمنستان و پایبندی به استانداردهای بین‌المللی برای حقوق بشر و شیوه‌های بشردوستانه؛ مشارکت در فرایند انتخابات آمریکا در سطوح فدرال، ایالتی و محلی از راه آگاه‌ساختن مقامات منتخب از مسائل مورد توجه ارامنه آمریکا و ارائه اطلاعات به‌روز به رأی‌دهندگان ارمنی در مورد مواضع نامزدها در مورد نگرانی‌های ارمنی؛ انتشار نشریات، مقالات، کتاب‌ها و خبرنامه‌های منطقه‌ای (about the ANCA, 2013).

۲-۵. مجمع ملی ارمنیان

در اوایل دهه ۱۹۷۰ آمریکایی‌های ارمنی تصمیم به ایجاد سازمانی برای نمایندگی و ارتقای منافع ارمنستان گرفتند. آنها با اعضای جامعه آمریکایی ارمنی در سراسر کشور، مجمع ارامنه را راه‌اندازی کردند. در واقع در سال ۱۹۷۲ دو استاد ارمنی-آمریکایی در دانشگاه جورج واشنگتن به فکر ایجاد یک گروه لابی جدید که سازمان‌های ارمنی موجود را در یکجا گرد آورد، افتادند. این محققین به همراه دو وکیل ارمنی به تاجران برجسته آمریکایی-ارمنی نزدیک شدند. این دو تاجر استفان موگار^۱ و هیرار هونانیان^۲ حاضر به حمایت مالی این برنامه بودند. کمک‌های میلیون دلاری آنها با مشارکت تعداد زیادی از افراد متخصص و تاجران برجسته آمریکایی-ارمنی همراه شد. آنها ادعای سرمایه‌گذاری به میزان ۱۳/۱۳۴/۱۸۷/۶۲ دلار تا سال ۲۰۰۰ دارند (Armenian Assembly of American Annual report, 2000, pp. 2-3).

اهداف اصلی مجمع ارمنیان آمریکا عبارت است از: گسترش و تقویت مجمع به‌عنوان پشتیبان منافع ارامنه؛ کمک به مشارکت فعالانه ارامنه در فرایند دموکراتیک آمریکا در سطوح فدرال، ایالتی و محلی با ایجاد و ارائه فرصت‌های مناسب؛ گسترش و تقویت برنامه‌های آموزشی برای ارامنه و تلاش در جهت

^۱. Stephan Mugar

^۲. Hirair Hovnanian

موفقیت شناسایی قتل عام ارامنه؛ گسترش و بهبود هرچه بیشتر روابط ایالات متحده و ارمنستان، ایالات متحده و ناگورنو- قره باغ مطابق مفاهیم دموکراسی، حاکمیت قانون، بازار آزاد و امنیت؛ گسترش برنامه‌های دولتی و خصوصی جامعه مدنی در ارمنستان و قره باغ و همراه با آن حفظ سیاست سازمان در مورد عدم مداخله در این جوامع؛ تشویق دیدگاه بازار آزاد و توسعه باثبات آن درون جامعه ارمنستان؛ رهبری در تلاش برای هماهنگی هر چه بیشتر و مؤثرتر سازمان‌های ارامنه و ایجاد و گسترش روابط درست و سازنده با سازمان‌های دیگر؛ حفظ و گسترش مدل توسعه انسانی سازمان باهدف افزایش هرچه بیشتر داوطلبان و کارکنان متعهد به دیدگاه‌ها و اهداف سازمان (Vision and Mission, 2013).

۶. اقدامات لابی ارامنه در پیگیری خواسته‌های ارمنی‌ها

در این بخش، اقدامات لابی ارامنه در سه حوزه مورد علاقه ارمنی‌ها (شناسایی قتل عام ارامنه، شناسایی خودمختاری ناگورنو قره باغ و کمک مالی ایالات متحده به ارمنستان و قره باغ) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱. شناسایی قتل عام ارامنه

کمیته ملی و مجمع ارامنه، شناسایی قتل عام ارامنه (توسط امپراتوری عثمانی بین سال‌های ۱۹۱۵ تا ۱۹۲۲) از سوی آمریکا را، به عنوان یکی از اهداف سیاسی اولیه‌شان عنوان کرده‌اند. از سال ۱۹۸۲ هر دو لابی برای متنی قانونی که به طور رسمی قتل عام ارامنه را طی سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۲۲ شناسایی و قربانیانش را به واسطه روز یادبودی در ۲۴ آوریل تکریم کند، مبارزه کرده‌اند. کمیته ملی ارامنه با هدف کسب غرامت و بازپس‌گیری سرزمین، با به کارگیری راهبرد از پایین به بالا، علاوه بر اعمال فشار و نفوذ، برای شناسایی رسمی قتل عام در کنگره، در سطح ایالت‌ها و شهرها نیز برای شناسایی و تعیین روز بزرگداشت تلاش می‌کند. این کمیته، برای اعمال فشار بر آمریکا، شیوه شناسایی قتل عام توسط کشورهای دیگر را دنبال می‌کند. بخش‌های کمیته ملی در نقاط مختلف جهان ادعا می‌کنند که در اعمال فشار برای شناسایی قتل عام در فرانسه، ایتالیا، اتحادیه و پارلمان اروپا، بریتانیا، یونان، بلژیک، لبنان، روسیه، سازمان ملل، قبرس، کانادا و آرژانتین موفق بوده‌اند (ANCA issues statement on genocide resolution, 2001).

مجمع ملی ارامنه علاوه بر لابی در میان اعضای کنگره، تلاش‌هایش را بر روی افزایش مستندات در مورد قتل عام ارامنه متمرکز کرده است. مجمع، مسئولیت مؤسسه ملی ارامنه - که مرکزی اختصاص داده شده به دستیابی به شناسایی و اثبات قتل عام است - را به عهده دارد. همچنین در این زمینه، مجمع با موزه‌های هولوکاست ایالات متحده و ارامنه، همکاری نزدیک دارد (Cregg, 2002, p.19). در رابطه با نتایجی که ارامنه در مسئله شناسایی قتل عام کسب کرده‌اند، باید یادآور شد که تمامی رؤسای جمهور ایالات متحده تاکنون در روز ۲۴ آوریل (روز بزرگداشت ارامنه) با صدور بیانیه‌ای به مسئله کشتار ارامنه،

اشاره کرده‌اند و ضمن بزرگداشت نسل‌های به‌جامانده، از قربانیان این فاجعه تاریخی، نسبت به این مسئله اظهار تأسف کرده‌اند. همچنین لابی ارامنه موفق شده است شناسایی قتل‌عام ارامنه را از سوی اکثر ایالت‌های آمریکا، بسیاری از دولت‌ها و حتی بازیگران فراملی کسب کند.

در سال ۲۰۰۷، قطعنامه‌ای توسط رئیس سابق مجلس نمایندگان ایالات متحده نانسی پلوسی^۱ و آدام شف^۲ عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده از کالیفرنیا که حامیان کنگره‌ای لابی ارامنه هستند، مورد تأیید قرار گرفت. در اکتبر ۲۰۰۷ این قطعنامه «H.Res. ۱۰۶» مورد حمایت آدام شف توسط کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان تصویب شد؛ اما این قطعنامه نتوانست رأی اکثریت اعضای مجلس نمایندگان را به دست آورد و این مسئله به خاطر نگرانی‌های دولت بوش در رابطه با آسیب روابط آمریکا و ترکیه بود. این قطعنامه یک‌بار دیگر با وجود مخالفت‌های دولت اوباما به واسطه آسیب‌پذیری روابطش با ترکیه، با رأی ۲۳ به ۲۲ توسط کمیته امور خارجی در ۴ مارس ۲۰۱۰ به تصویب رسید (Moniquet, 2013, p.15).

جدول (۱): بیانه‌های روسای جمهور آمریکا به مناسبت قتل‌عام ارامنه
(Genocide Recognition by U.S Presidential Statements, 2013)

| بیانه‌ها | روسای جمهور |
|--------------------------------------|---|
| ۱۹۲۰ | ویلسون (Wilson, Woodrow) ۱۹۱۳-۱۹۲۱ |
| ۱۹۵۲ در خاطرات هوور | هوور (Hoover, Herbert) ۱۹۲۹-۱۹۳۳ |
| ۱۹۷۵ در سخنرانی در مجلس | فورد (Ford, Gerald) ۱۹۷۴-۱۹۷۷ |
| ۱۹۷۸ | کارتر (Carter, Jimmy) ۱۹۷۷-۱۹۸۱ |
| ۱۹۸۱ | ریگان (Reagan, Ronald) ۱۹۸۱-۱۹۸۹ |
| ۱۹۹۰ روز بزرگداشت ارامنه | بوش پدر (Bush, George H. W.) ۱۹۸۹-۱۹۹۳ |
| ۱۹۹۴-۲۰۰۱ با اعلامیه در روز بزرگداشت | کلینتون (Clinton, William J.) ۱۹۹۳-۲۰۰۱ |
| ۲۰۰۱-۲۰۰۸ با اعلامیه در روز بزرگداشت | بوش پسر (Bush, George W.) ۲۰۰۱-۲۰۰۹ |
| ۲۰۰۹-۲۰۱۴ با اعلامیه در روز بزرگداشت | اوباما (Obama, Barack H.) از ۲۰۰۹ تا به حال |

^۱. Nancy Pelosi

^۲. Adam Schiff

جدول (۲): شناسایی قتل عام توسط بازیگران ملی و فراملی

| کشور | اقدامات انجام شده | کشور | اقدامات انجام شده |
|---------------|---|---------|-------------------|
| آرژانتین | بیانیه مجلس سنا: ۲۰۰۴-۲۰۰۳-۱۹۹۴ تصویب قانون: ۲۰۰۴ | یونان | ۱۹۹۶ |
| استرالیا | ولز جنوبی جدید ^۱ : ۱۹۹۷ | ایتالیا | ۲۰۰۰ |
| کانادا | اونتاریو: ۱۹۸۰-کیک: ۱۹۸۰، ۲۰۰۳، ۲۰۰۴-مجلس: ۲۰۰۴-سنا: ۲۰۰۲ | لبنان | ۲۰۰۰ |
| شورای اروپا | ۱۹۹۸-۲۰۰۱ | روسیه | ۱۹۹۵ |
| قبرس | ۱۹۸۲ | سودان | ۲۰۰۰ |
| پارلمان اروپا | ۱۹۸۷-۲۰۰۰-۲۰۰۲ | سوئیس | ۲۰۰۳ |
| فرانسه | ۲۰۰۱ | | |

۲-۶. شناسایی خودمختاری ناگورنو- قره باغ

دومین هدف راهبردی لابی‌های ارمنی، تحکیم و تثبیت کنترل بر ناگورنو- قره باغ است. این مسئله با ایجاد توافقات سیاسی بین‌المللی برای وضع موجود دنبال شده که ممکن است در آینده به خودمختاری قطعی بدل شود. طبق مندرجات سایت رسمی کمیته ملی ارامنه، «قره باغ بخشی از سرزمین ارمنی است که در سال ۱۹۲۱ توسط جوزف استالین به‌طور خودسرانه گرفته شد و در حاکمیت آذربایجان به‌عنوان بخشی از راهبرد توزیع شوروی در قفقاز قرار گرفت. در طول هفت دهه حاکمیت آذربایجان، جمعیت ارامنه قره باغ مورد سیاست‌های تبعیض آمیز با هدف حذف آنها از میهن‌شان قرار گرفت. رفته رفته، مردم ناگورنو- قره باغ به این آگاهی رسیدند که سیاست‌های آذربایجان به نابودی آنها منجر خواهد شد، در نتیجه مقاومت در برابر این تلاش‌ها را با ابزارهای صلح آمیز دنبال کردند و اولین جنبش آزادی خواهی را در اتحاد جماهیر شوروی به راه انداختند (Self-Determination for the Republic of Nagorno- Karabagh, 2006).

^۱. New South Wales

جدول (۳): شناسایی قتل عام ارامنه از سوی ایالت‌های آمریکا

(Genocide Recognition by U. S. States, 2013)

| ردیف | ایالت | اقدامات | ایالت | اقدامات |
|------|-----------|---|-----------------|---|
| ۱ | آلاسکا | سنا: ۱۹۹۰- فرماندار: ۱۹۹۰ | نیارسکا | فرماندار: ۲۰۰۴ |
| ۲ | آریزونا | فرماندار: ۱۹۹۰- شهرداری: ۲۰۰۹ | نوادا | فرماندار: ۲۰۰۰ |
| ۳ | آرکانزاس | فرماندار: ۲۰۰۱ | نیوهامپشایر | سنا: ۱۹۹۰ شهرداری: ۲۰۰۸ |
| ۴ | کالیفرنیا | مجلس: ۲۰۱۱- سنا: ۲۰۰۷- فرماندار: ۲۰۰۷ | نیوجرسی | فرماندار: ۱۹۹۰، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷ |
| ۵ | کلرادو | مجلس: ۲۰۰۴- سنا: ۲۰۰۷- فرماندار: ۲۰۰۴ | نیومکزیکو | مجلس: ۲۰۰۳ سنا: ۲۰۰۱ فرماندار: ۲۰۰۶ |
| ۶ | کنکتیکت | فرماندار: ۱۹۹۰، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱ | نیویورک | مجلس: ۲۰۰۲ سنا: ۲۰۰۸ فرماندار: ۲۰۰۱ شهرداری: ۲۰۰۲، ۲۰۰۵ |
| ۷ | دلایر | سنا: ۱۹۹۵ - مجلس: ۲۰۰۷ | کارولینای شمالی | فرماندار: ۱۹۹۹، ۱۹۹۶ و شهرداری: ۲۰۰۶ |
| ۸ | فلوریدا | فرماندار: ۲۰۰۶ و ۱۹۹۰ | داکوتاشمالی | مجلس: ۲۰۰۷ |
| ۹ | جورجیا | مجلس، سنا و فرماندار: ۲۰۱۲ | اوهایو | فرماندار: ۲۰۰۷ |
| ۱۰ | هاوایی | مجلس: ۲۰۰۹ | اوکلاهما | مجلس: ۱۹۹۰ |
| ۱۱ | آیداهو | فرماندار: ۲۰۰۴ | اورگن | فرماندار: ۱۹۹۰ |
| ۱۲ | ایلینوی | مجلس: ۲۰۰۵ - سنا: ۱۹۹۵ - فرماندار: ۲۰۰۰ | پنسیلوانیا | مجلس: ۲۰۰۷ سنا: ۱۹۹۵ فرماندار: ۲۰۰۲ |
| ۱۳ | کنتاکی | فرماندار: ۲۰۰۸ | رودایلند | مجلس: ۲۰۱۲ سنا: ۲۰۱۲ فرماندار: ۲۰۱۱ |
| ۱۴ | لوئیزیانا | فرماندار: ۲۰۰۴ | کارولینای جنوبی | مجلس: ۱۹۹۹ |
| ۱۵ | مین | مجلس: ۲۰۰۴ و ۲۰۰۱ | تنسی | فرماندار: ۲۰۰۴ |
| ۱۶ | مربلند | مجلس: ۲۰۰۱ - فرماندار: ۱۹۹۰، ۱۹۸۷ | اوتا | فرماندار: ۲۰۰۱ |
| ۱۷ | ماساچوست | مجلس: ۱۹۹۷ - سنا: ۱۹۹۶ - فرماندار: ۱۹۹۰ و ۲۰۰۴ شهرداری: ۱۹۹۶ | ورمونت | فرماندار: ۲۰۰۴ |
| ۱۸ | میشیگان | مجلس: ۲۰۰۷ سنا: ۱۹۹۰ و ۲۰۰۱ فرماندار: ۱۹۹۵ | ویرجینیا | مجلس: ۲۰۰۰ فرماندار: ۲۰۰۲ |
| ۱۹ | مینه سوتا | فرماندار: ۲۰۰۱ | واشنگتن | فرماندار: ۱۹۹۰ |
| ۲۰ | میزوری | سنا: ۲۰۰۲ | ویسکانسین | |
| ۲۱ | مونتانا | مجلس: ۲۰۰۱ سنا: ۲۰۰۴ | | |

کمیته ملی و مجمع ارامنه در حال لابی‌گری برای شناسایی استقلال ناگورنو-قره‌باغ توسط ایالات متحده و افزایش کمک به این منطقه هستند. اگرچه به نظر می‌رسد که کمیته ملی ارامنه در رابطه با قره‌باغ فعالیت و سرمایه‌گذاری بیشتری کرده است. کمیته ملی ارامنه به‌طور فعالانه، برای شناسایی حق خودمختاری قره‌باغ تلاش می‌کند و در مورد کسب شناسایی از ایالت‌های ماساچوست و رودايلند (همچنین لوئیزیانا و مین) ادعای موفقیت دارد. علاوه بر لابی‌گری برای شناسایی قره‌باغ، فدراسیون انقلابی ارمنی به مقدار بسیار زیادی در دولت قره‌باغ سرمایه‌گذاری کرده است. تلاش‌های کمیته و فدراسیون برای کسب استقلال به‌صورت شایانی کانال‌های رسمی لابی‌گری و حمایت غیررسمی مردم را شامل می‌شود (Cregg, 2002, p.21).

با کمک و حمایت مجمع ارامنه آمریکا دفتر جمهوری ناگورنو-قره‌باغ^۱ در ایالات متحده در نوامبر ۱۹۹۷ به دستور رئیس‌جمهور ناگورنو-قره‌باغ، «آرکادی قوکاسیان»^۲ تأسیس شد. این دفتر، در وزارت دادگستری ایالات متحده به ثبت رسیده و نماینده دولت و مردم ناگورنو-قره‌باغ، در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، انسانی و فرهنگی است. این دفتر، به‌عنوان کانال مؤثری بین ایالات متحده و ناگورنو-قره‌باغ در گفتگوی سازنده با سازمان‌های دولتی مربوطه ایالات متحده، از جمله کنگره بوده و به‌طور فعالانه‌ای فعالیت کرده است. طبق سایت رسمی مجمع، وجود این دفتر در پایتخت ایالات متحده، ارامنه را نسبت به افزایش آگاه‌سازی در رابطه با جوانب حقوقی مناقشه ناگورنو-قره‌باغ و تلاش برای به رسمیت شناختن استقلال آن از آذربایجان توانا ساخته است (Office of the nagorno karabakh republic, 2005).

لابی ارامنه، با توجه به نفوذی که در کنگره دارد و همچنین حضور نمایندگان حامی منافع ارامنه توانسته است، در مقاطعی بسیار موفق عمل کند؛ از جمله، بخش ۹۰۷ از قانون حمایت از آزادی که نزدیک به ده سال آذربایجان را از دریافت کمک‌های ایالات متحده محروم ساخت. در سال ۱۹۹۲، کنگره با تصویب بخش ۹۰۷ قانون حمایت از آزادی، به تلاش‌های آذربایجان برای انزوا و فلج ساختن ارمنستان و ناگورنو-قره‌باغ پاسخ داد. طبق این قانون تازمانی که آذربایجان به تجاوزاتش علیه ارمنستان پایان دهد و محاصراتش را ضد ارمنستان و ناگورنو-قره‌باغ بردارد، از دریافت انواع مشخصی از کمک مستقیم

¹. The Office of the Karabakh Republic in the USA

². Arkady Ghoukasian

ایالات متحده، منع می‌شد؛ بنابراین، طبق این بخش، باکو بدون پشتیبانی مالی ایالات متحده در ده سال اول بعد از استقلال (۲۰۰۲-۱۹۹۲) رها شد (section 907 of the freedom support act, 2006).

از سال ۲۰۰۲ و بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و اتحاد راهبردی آذربایجان با آمریکا در مبارزه با تروریسم، رؤسای جمهور آمریکا شروع به چشم‌پوشی از بخش ۹۰۷ کردند. البته واقعیت حاکی از آن است که بودجه اختصاص یافته واشنگتن به آذربایجان، کمتر از نیمی از مقداری است که ایالات متحده به ارمنستان می‌پردازد. با استناد به پژوهش‌های سرویس تحقیقاتی کنگره، آمریکا بودجه‌ای بالغ بر ۳۶ میلیون دلار برای ناگورنو-قره‌باغ در دوره سال‌های ۲۰۱۱-۱۹۹۸ فراهم کرده است. لابی، تاکنون توانسته که بودجه اختصاص یافته به آذربایجان را کمتر از بودجه اختصاص یافته به ارمنستان نگه دارد. در واقع، باکو هنوز هم تقریباً دو برابر کمتر از ایروان کمک دریافت می‌کند. در سال ۲۰۱۲، ارمنستان علاوه بر دریافت ۲ میلیون دلار برای منطقه قره‌باغ، ۴۰ میلیون دلار وجه مالی دریافت کرده است، در حالی که آذربایجان ۲۰ میلیون دلار دریافت کرده است. اگرچه با تصمیم اوباما، این میزان پرداخت‌ها باید کاهش یابد و به ۳۲/۵ میلیون دلار به ارمنستان و ۱۶/۳ میلیون دلار به آذربایجان برسد. همچنین بودجه کمک نظامی برای آذربایجان و ارمنستان باید برابر باشد؛ به طوری که ۲/۷ میلیون دلار برای اعتبار نظامی خارجی و ۰/۶ میلیون دلار برای آموزش و پرورش نظامی بین‌المللی (Nichole, 2013, p.22). با توجه به تئوری بنتلی، این کار بدون عملکرد مناسب لابی ارامنه، امکان‌پذیر نبود.

۳-۶. کمک ایالات متحده به ارمنستان و قره‌باغ

با فروپاشی شوروی، ارمنستان و ایالات متحده آمریکا به واسطه مسائلی چون منازعه قره‌باغ و کمک خارجی ایالات متحده در منطقه دریای خزر، در موقعیت مناسبی نسبت به هم قرار گرفته‌اند. کمک‌های خارجی ایالات متحده به ارمنستان، نشان‌دهنده چگونگی نیرومندی یک دیاسپورای خارجی در کنگره است. لابی‌گری تأثیر شایانی بر کمک‌های ایالات متحده داشته است. کمیته و مجمع ملی ارامنه همواره سعی داشته‌اند کمک‌های فراوانی را برای ارمنستان و منطقه ناگورنو-قره‌باغ به دست بیاورند و در این زمینه از اعمال نفوذ نمایندگان حامی‌شان در کنگره استفاده زیادی می‌برند.

نمایندگان حامی ارامنه و افرادی از قبیل فرانک پالون در کنگره و کمیته ارمنی کنگره در رابطه با کمک اقتصادی ایالات متحده به ارمنستان، به گسترش فعالیت‌های ارمنستان برای کمک به آمریکا در جنگ با تروریسم از جمله، فرستادن نیروها به کوزوو در سال ۲۰۰۴، رویکرد اقتصاد آزاد در ارمنستان، عضویت این کشور در سازمان‌های تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و امضای موافقتنامه‌های دوجانبه با ایالات متحده در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و حمایت از سرمایه اشاره دارند. در

رابطه با کمک‌های توسعه‌ای به قره‌باغ نمایندگان معتقدند که کنگره ایالات متحده، برای یک دهه، نقش منحصر به فرد و مهمی را در ارائه کمک‌های مستقیم به ناگورنو-قره‌باغ و بازگرداندن مردمان آن به زندگی پس از تجاوزها و پاکسازی‌های قومی آذربایجانی، بازی کرده است.

از نظر این نمایندگان، کمک‌های توسعه‌ای ایالات متحده به ناگورنو-قره‌باغ، موفقیت ایالات متحده را در اعمال تلاش‌های منطقه‌ای برای کاهش چالش‌های بشردوستانه قره‌باغ، منعکس خواهد کرد. همچنین آنها به اعلامیه استقلال ناگورنو-قره‌باغ اشاره می‌کنند و معتقدند ناگورنو-قره‌باغ یک مردم‌سالاری، اقتصاد بازار آزاد و احترام به حقوق بشر، ایجاد کرده است؛ علاوه بر این، چندین انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را برگزار کرده که به لحاظ آزادانه و عادلانه بودن مورد ستایش ناظران بین‌المللی قرار گرفت و باور دارند که کمک‌های توسعه‌ای آمریکا، مردم‌سالاری ناگورنو-قره‌باغ را از راه اصلاحات انتخاباتی و برنامه‌های مدنی و رسانه‌ای تقویت خواهد کرد (ANCA official site, 2011/4/11).

جدول (۴): کمک‌های ایالات متحده به دولت‌های قفقاز جنوبی در سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۹۲ (میلیون دلار)
(Nichol, January 2014, p.56)

| سال ۲۰۱۲ | سال ۲۰۱۱ | سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۱۰ | |
|----------|----------|-------------------|-------------------------------------|
| ۴۴/۲۵ | ۴۴/۴۲ | ۱۹۵۱/۸۶ | ارمنستان |
| ۲۰/۸۷ | ۲۶/۴ | ۹۷۵/۷۵ | آذربایجان |
| ۸۵/۱ | ۸۷/۱ | ۳۳۶۹/۳۳ | گرجستان |
| ۲۹ | ۲۷ | ۱۶ | درصد کمک اوراسیا (شامل آسیای مرکزی) |

جدول (۵): کمک‌های ایالات متحده به ناگورنو-قره‌باغ ۲۰۱۲-۱۹۹۸ (میلیون دلار)
(Nichol, January 2014, p.58)

| سال | بودجه |
|------|-------|
| ۱۹۹۸ | ۸/۶ |
| ۱۹۹۹ | ۳/۵ |
| ۲۰۰۰ | ۲/۰ |
| ۲۰۰۱ | ۴/۴ |
| ۲۰۰۲ | ۲/۳ |
| ۲۰۰۳ | ۱/۹۸۷ |

| | |
|-------|------|
| ۲/۰ | ۲۰۰۴ |
| ۲/۴۳ | ۲۰۰۵ |
| ۱/۹۸ | ۲۰۰۶ |
| ۲/۵۰۹ | ۲۰۰۷ |
| ۲/۰ | ۲۰۰۸ |
| ۱/۹۹۶ | ۲۰۰۹ |
| ۲/۰ | ۲۰۱۰ |
| ۲/۰ | ۲۰۱۱ |
| ۲/۰ | ۲۰۱۲ |

جدول (۶): کمک ایالات متحده به ارمنستان (هزار دلار)

(The United State department of state, June 2014).

| ۲۰۱۵ | ۲۰۱۴ | ۲۰۱۳ | ۲۰۱۲ | ۲۰۱۱ | ۲۰۱۰ | |
|--------|--------|--------|--------|--------|--------|--------------------------------|
| ۲۰/۷۰۰ | ۲۰/۷۰۰ | ۲۷/۲۱۹ | | | | صندوق حمایت اقتصادی |
| ۱/۷۰۰ | ۲/۷۰۰ | ۲/۷۰۰ | ۲/۷۰۰ | ۲/۹۹۴ | ۳۰۰۰ | تأمین مالی، نظامی و خارجی |
| | | ۲/۵۰۰ | | ۳۹۹ | ۴۰۰ | سلامت جهانی |
| ۶۰۰ | ۶۰۰ | ۶۸۰ | ۷۰۰ | ۴۴۹ | ۴۴۹ | آموزش و پرورش نظامی بین‌المللی |
| ۱/۷۰۰ | ۲/۸۹۴ | ۳/۰۰۹ | | | | کنترل بین‌المللی مواد مخدر |
| ۱/۰۴۰ | ۷۴۰ | ۱/۴۶۴ | ۸۵۰ | ۸۵۰ | ۷۵۰ | اقدامات ضد تروریستی |
| ۷/۲۹۱ | ۸/۸۳۴ | ۹/۶۰۵ | ۹/۱۶۵ | ۸/۶۳۱ | ۸/۹۲۰ | صلح و امنیت |
| ۸/۸۲۴ | ۷/۹۴۹ | ۱۱/۱۴۷ | ۱۲/۴۹۸ | ۱۱/۷۷۱ | ۱۳/۴۳۷ | حکومت عادلانه و دموکراتیک |
| ۱/۷۲۵ | ۲/۰۰۰ | ۵/۰۰۰ | ۶/۶۶۷ | ۹/۴۸۸ | ۸/۶۷ | سرمایه‌گذاری برای مردم |
| ۸/۳۰۰ | ۸/۷۸۱ | ۱۰/۸۰۴ | ۱۴/۷۷۳ | ۱۳/۵۲۷ | ۱۳/۵۷۳ | رشد اقتصادی |
| | | ۸۰۰ | ۱/۱۵۰ | ۱۰۰۰ | ۱/۶۰۲ | کمک بشردوستانه |

نتیجه گیری

فرایند سیاسی، فرایند اصلی در تصمیم سازی است. این فرایند مجموعه‌ای از قدرت و نفوذ در جامعه است که در آن بازیگران زیادی می‌کوشند تا به اهداف معینی دست یابند و در این راستا، سیاست به‌عنوان هنر زیر نفوذ در آوردن عملکردها، با مسئله قدرت ارتباط می‌یابد. تصمیم‌سازی‌ها زاینده ائتلاف‌ها، بده‌بستان‌ها و متقاعد ساختن‌های بی‌شماری است. نظریه بنتلی توضیح می‌دهد که فرایند سیاست سازی در ایالات متحده در بخش داخلی و خارجی تابعی از فعالیت گروه‌های صاحب نفوذ است و همچنین با توجه به ساختار پیچیده شکل‌گیری گزینه‌ها و تصمیم‌گیری سیاسی در ایالات متحده و اهمیت نهادهای اجتماعی، گروه‌های دارای نفوذ و افکار عمومی، لابی‌ها با تدوین ترجیحات موردنظر و ارائه این ترجیحات به مقامات تصمیم‌گیر سعی می‌نمایند تا ساختارهای تصمیم‌گیری در قلمرو سیاست خارجی آمریکا را با دیدگاه‌هایشان در رابطه با موضوع موردنظر همسو نمایند. در حقیقت بدون شناخت ماهیت و عملکرد این گروه‌ها، درک صحیح از رفتارهای سیاسی در ایالات متحده آمریکا، تقریباً ناممکن می‌شود.

لابی‌ارامنه نیز به‌عنوان یک لابی قدرتمند قومی در آمریکا توانسته است با توجه به ماهیت اصلی و جایگاه و اهمیتی که کشورهای ترکیه، آذربایجان و ارمنستان در منطقه قفقاز برای ایالات متحده دارند، سیاست خارجی ایالات متحده در رابطه با مسائل مختلف ارامنه به گونه‌ای تغییر دهد که بسیاری از کارشناسان برگزیدن این سیاست‌ها را از سوی ایالات متحده تناقض‌آمیز تحلیل می‌کنند. عدم واکنش قاطعانه از سوی ایالات متحده در مناقشه قره‌باغ، پرداخت کمک‌های سالیانه به این منطقه، محکوم ساختن آذربایجان به رعایت نکردن حقوق بشر، فشار آوردن بر ترکیه در عادی‌سازی روابطش با ارمنستان، عدم حمایت کامل از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادرشده در ارتباط با قتل عام ارامنه از سوی آمریکا و کمک‌های سالیانه بلاعوض آمریکا به ارمنستان که بعد از گرجستان، در جایگاه دوم دریافت‌کننده کمک‌های مالی در منطقه، قرار دارد و همچنین کمک‌های آمریکا به قره‌باغ همگی، مصادیق بارز متأثر بودن تصمیم‌های سیاست خارجی آمریکا در منطقه قفقاز از عملکرد لابی ارامنه است.

References

- About the ANCA (2013). The Armenian National Committee of America (ANCA) official site. Retrieved at 2015/2/12 from: <https://anca.org/anca%20profile>
- ANCA Issues Statement on Genocide Resolution (2001). the Armenian Weekly. Retrieved at 2015/1/12 from: <http://free.freespeech.org/armenian/weekly>
- Anderson, P. R. (January 01, 2000). Grassroots mobilization and diaspora politics: Armenian interest groups and the role of collective memory. *Nationalism & Ethnic Politics*, 6, 24-47.
- Armenian Assembly of American Annual Report (2000). The Armenian Assembly of American (AAA) official site. Retrieved at 2014/11/09 from: <http://aaainc.org/index.php?id=653>
- Ashoori, D. (1991). *Political encyclopedia* (2nd ed). Tehran: Morvarid publication (in Persian).
- Ahmadi Laforaki, B. (2008). *The lobby and lobbyist in the United States*. [Tehran]: the cultural institute of contemporary abrar international studies (in Persian).
- Basar, B., & Swain, A. (2009). Diaspora design versus homeland realities: case study of Armenian Diaspora. *Caucasian Review of International Affairs (CRIA)*, 3(1).
- Bentley, A. (1908). *The process of government: a study of social pressures*. Chicago: University of Chicago press. Retrieved at 2014/10/23 from: <http://books.google.com/books?id=nMUK1PHISeEC&printsec=frontcover#v=onepage&q&f=false>
- Brzezinski, Z. (2010). From hope to audacity. *Foreign Affairs*, 89(1).
- Cregg, H. S. (2002). The Success of Armenian Ethnic Lobbies in the United States. *Working Paper#13*. Retrieved at 2015/01/22 from: http://web.mit.edu/cis/www/migration/pubs/rwp/13_divided.pdf
- Duverger, M. (1973). Political parties and interest groups. (Translator: A. ghazi). *Journal of Law and Political Science, university of Tehran*, 3. (in Persian).
- Genocide Recognition (2013). The Armenian National Committee of America (ANCA) official site, Retrieved at 2015/2/17 from: <http://www.anca.org/genocide-resource/recognition.php>.
- Genocide Recognition by U.S States (2013). The Armenian National Committee of America (ANCA) official site, Retrieved at 2014/10/03 from: <http://www.anca.org/genocide-resource/states-map.php>.
- Gunning, J. (2000). *Political parties and groups in understanding democracy: an introduction to public choice*. Nomad press. Retrieved at 2015/3/13 from: <https://books.google.com/books?id=SZdHAQAAQBAJ&pg=PA359#v=onepage&q&f=false>

- Hosseini Taghiabadi, M. (2012). Armenian lobby and America's presidential election, efforts for strengthen links. *Diplomatic News*, 65. (In Persian).
- Kardan, A. (2007). *Look at the Armenian lobby in United States*. Tehran: cultural institute of contemporary abrar international studies (in Persian).
- Koohkan, A. (2012 A). Group-based understanding of international politics. *Journal of International Affairs*, 1. (In Persian).
- Koohkan, A. (2012 B). Tries to explain the weakness of the Iranian lobby in the US. *Journal of Foreign Relations*, 4. (In Persian).
- Moniquet, C., & Racimora, W. (2013) the role of the Armenia lobby in the pattern of enmity in South Caucasus, *Eropean Strategic Intelligence&Security Center (ESISC)*. Retrieved at 2015/02/16 from: http://www.esisc.org/upload/publications/analyses/the-armenian_job/The%20Armenian%20Job.pdf
- Nassibian, A. (1984). Britain and Armenian question 1915-1923. *The Historical Journal*, 19(1), 113-133.
- Nichol, j. (2014 January 24). Armenian, Azerbaijan and Georgia: Political development and implications for U.S interests. *Congressional Research Service*. Retrieved at 2015/3/13 from: <http://fas.org/sgp/crs/row/RL33453.pdf>
- Nichol, j. (2013 Fwbruary22). Azerbaijan: recent developments and U.S interests. *Congressional Research Service*. Retrieved at 2015/3/13 from: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/crs/97-522.pdf>
- Office of the Nagorno Karabakh Republic (2005). Introduction to the Office of the Nagorno Karabakh Republic in the United States of America. Retrieved at 2014/09/22 from: http://www.nkrusa.org/nkr_office/nkr_office.shtml
- Rabertson, D. (1993). *A dictionary of modern politics (2nd Ed)*, Europa Publication, Retrieved at 2014/9/22 from: http://books.google.com/books/about/A_dictionary_of_modern_politics.html?id=FmJHAAAAMAAJ
- Salisbury, R. H. (1969). *An exchange theory of interest groups*. Detroit: Wayne State Univ. Press.
- Section 907 of the Freedom Support Act (2006). The Armenian National Committee of America (ANCA) official site. Retrieved at 2015/2/10 from: <http://www.anca.org/resource-center/position-papers.php?ppid=6>
- Sedrakyan, A. (1987) The Armenian lobby and U.S foreign. Retrieved at 2015/1/22 from: <http://www.yasu.am/files/06A-Sedrakyan.pdf>
- Self Determination for the Republic of Nagorno- karabagh (2006). The Armenian Assebmly of American (AAA) official site, retrieved at 2014/8/02 from: <http://www.anca.org/resource-center/position papers.php? Ppid=5>
- The Armenian national committee of America (ANCA) officialsite (2011). Retrieved at 2014/9/12: <http://www.anca.org/press- releases.php? Prid=1355>.

- The United States Department of State official site (2014). Retrieved at 2015/3/12 from: <http://www.state.gov/documents/organization/23103.pdf>,
- Tololyan, K. (January 01, 2000). Elites and Institutions in the Armenian Transnation. *Diaspora: a Journal of Transnational Studies*, 9(1), 107-136.
- U.S Presidential Statements (2013). The Armenian National Committee of America (ANCA) official site, Retrieved at 2015/3/12 from: http://www.anca.org/genocide_resource/president_statement.php,
- Vision and Mission (2013). The Armenian Assembly of American (AAA) official site, Retrieved at 2015/03/22 from: <http://aaainc.org/index.php?id=86>, Retrieved at 2015/2/13.

